

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده : ش. حمید

28 جولای 2013

شعر از "چاووش"

شعرهای مقاومت

از مجموعه "یک گام تا بيمرگی"

(نه)

نبرد شب و روز

سپاه صبح به گلپاغ ارغوانی شرق

گشوده است آتش

نبرد سهامگین

نبرد زندگی و مرگ

به کوچه های مهالود صبحدم جاری ست

چه رزمجویانی

که عاشقانه ترین نامه رهایی را

سرود میخوانند

و رو به سنگر خونبار مرگ میتازند

که گرد مرگ برآرند و زندگی سازند

به هر کجا که ببینی هجوم حادثه ها ست
به هر کجا که ببینی کمین وحشتها ست
که دست فتنه دشمن مصیبت انگیز است

درین نبرد شب و روز
که بذر فاجعه برآور جنایت شد
و دست چیره مرگ
بلور جام جهانبین را
ز شوکران آگند
غریو زندانبان
ز برج و باره زندان شب صدا سر داد :
"منم، ضحاک ماردوش"
که چار سوی در آفاق کور میتازم
ز قعر تیره ظلمت به بار می آیم
ضحاک اژی دهاک منم
که رسته مارهای مغزخوار بر دوشم
خوالیگران مطبخم، ارمائیل! *
مارهای دوشم را
ز مغزهای جوانان غذا دهید غذا

در آن شب بیداد
که مغزهای جوانان غذای ماران شد
و پهلوانان
أسطوره شهادت را
به خط سرخ نوشتند
به برگ برگ کتاب رسالت تاریخ
زمین سوخته دشت

به فصل سرخ شهادت
ز جوش رویش گل رشک نوبهاران شد

در آن نهایت بیداد
قیام کاوه آهنگر
برای شبزدگان مژده رهائی داد
به ضرب خنجر خود اهرمن بدرید
و خون روز به رگهای زندگی بدمید

درون پهنه باغ
درون آئینه آب
شلیل گونه ترین رنگها پدید آمد
نگاه نافذ روز
در آن نهایت شب، دیده افق بگشود
و برق شعله گوگردی شفق، اکنون
چراغ لاله فروزد به لاله زار افق

سپاه صبح به گل‌باغ خاوران، آری
گشوده است آتش
قیام کاوه کنون مژده خوان آزادی ست
ز برق شعله گوگردی شفق، اکنون
فروغ لاله به گلدشت خاوران جاری ست

(25 قوس 1360)

* ارمائیل و گرمائیل دو برادر نیکو کار بودند که خوالیگران مطبخ ضحاک بودند
و هر شب یک جوان را از مرگ نجات میدادند.